

طرح مسئله

اوقات فراغت عرصه‌ی خاصی از تجربه‌ی انسانی است که امتیاز آن برای افراد، داشتن حق انتخاب، خلاقیت، رضایتمندی و لذتی است که خود، لذت و شادی بیشتر را به دنبال دارد. اوقات فراغت دربرگیرنده‌ی صور جامعی از فعالیت‌هاست که عناصر آن، علاوه بر آن‌که فکری و اجتماعی هستند، غالباً ماهیتی فیزیکی نیز دارند. در این معنا، فعالیت‌هایی که از روی اجبار، با نگرش ابزاری و با محدودیت‌های تحمیل‌شده‌ی بیرونی انجام گیرند و فرد استقلال عمل زیادی روی آن‌ها ندارد، از حوزه‌ی این تعریف خارج هستند و اساساً این‌گونه فعالیت‌ها محدودکننده‌ی خوشبختی‌یابی فرد به‌شمار می‌روند.

اوقات فراغت و به‌ویژه ورزش، کارکردهای خاصی را برای همه‌ی بخش‌های جامعه و به‌ویژه جوانان دارد. تمایلات و

احساسات سرکوب‌شده‌ی آنان را آزاد و تخلیه می‌کند و به آن‌ها امکان می‌دهد، هویت‌های اجتماعی مطلوب خویش را ابراز کنند و گاه تأیید دیگران را نسبت به آن به‌دست آورند. در میان جوانان، اوقات فراغت به دلایل سنی نیز حائز اهمیت است. معمولاً در اوقات فراغت است که جوانان برای نخستین بار یاد می‌گیرند، مستقل از بزرگ‌سالان عمل کنند، دیگران را مشابه و برابر با خود ببینند، و دیگران نیز آن‌ها را برابر ببینند. به‌علاوه، در فعالیت‌ها و روابط فراغتی است که جوانان نقش‌های جنسیتی خود را می‌آموزند.

اوقات فراغت در کشورهای غربی

روند تحولات جهانی اوقات فراغت با تحولات بازار کار و آموزش هم‌بسته است. در عموم کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای اروپای غربی، جوانان کمتر از هم‌قطاران خود در سال‌های رونق اقتصادی پس از جنگ،

درگیر اشتغال اقتصادی هستند و سطح اشتغال به صورت فزاینده‌ای پایین آمده است. تحولات بازار کار و صنعت و پایین آمدن رشد اقتصادی، دلیل اصلی این موضوع بوده است. از یک طرف، تورم افراد با تحصیلات دانشگاهی، از ارزش اقتصادی مدارج دانشگاهی کاسته و ادامه‌ی تحصیلات را با ریسک زیادی روبه‌رو ساخته است. بدین ترتیب از آن‌جایی که جوانان بی‌کار در بسیاری موارد راه تحصیل را برمی‌گزینند، بی‌کاری آن‌ها پنهان می‌ماند. از طرف دیگر، از دست رفتن و محدود شدن بازار کار جوانان، به معنای وقت فراغت فراوان برای آن‌ها نیست. تجربه‌ی بی‌کاری، از اعتماد به نفس جوانان در جست‌وجوی شغل می‌کاهد [فورلانگ، ۱۹۹۲]. سیاستی که جوانان در کشورهای غربی برای افزایش شانسی اشتغال خود برگزیده‌اند، بالا بردن بیشتر انگیزه‌ی خود برای ادامه‌ی تحصیل بوده است.

تحول الگوی گذران اوقات فراغت در جوامع غربی و ایران

دکتر محمد سعید ذکایی

عضو هیأت علمی

دانشگاه علامه طباطبائی



شرایط فوق، فشار و استرس بیشتری را برای جوانان و فرصت‌های آن‌ها ایجاد کرده است و بسیاری از آن‌ها ناگزیرند، توازنی را میان کار نیمه‌وقت، تحصیل در دانشگاه و تعقیب علاقه‌ها و سرگرمی‌های مطلوب خویش جست‌وجو کنند. البته افول اشتغال جوانان، به زوال فرهنگ‌ها و خُرده‌فرهنگ‌های جوانان منتهی نشده است. درآمد خود جوانان از محل کارهای پاره‌وقت، وام‌های آموزشی، کمک والدین و درآمدی که در برخی کشورهای غربی بخش‌های تأمین اجتماعی در اختیار جوانان می‌گذارند، اوقات فراغت آن‌ها را هم چنان حفظ کرده است. با وجود شکاف‌های درآمدی و نابرابری در میزان مصرف، مشارکت در فعالیت‌های فراغتی در سطح بالایی است. جوانان بی‌درآمد و کم‌درآمد عموماً در مقایسه با گروه‌های پردرآمدتر، با شدت کمتری در بعضی فعالیت‌ها و سرگرمی‌ها شرکت دارند، اما

درخصوص تنوع فعالیت‌های فراغتی تفاوت چندانی بین دو گروه نیست.

نتایج مطالعات در این کشورها [مثلاً: Roberts, 1997 & Hendry, 1996] نشان می‌دهد، فعال‌ترین گروه جوانان در فعالیت‌های فراغتی دانشجویان هستند. زمینه‌ی این فعال بودن عموماً امکانات ورزشی مجانی و یا ارزان‌تری است که کمپ‌های دانشجویی در اختیار می‌گذارند. ضمن آن‌که توانایی دانشجویان در پرداختن به این‌گونه فعالیت‌ها با هزینه‌ی کم و نیز پارانه‌هایی را که بخش‌های خصوصی و عمومی صنایع سرگرمی در اختیار دانشجویان می‌گذارند، مؤثر هستند. هم‌چنین، شواهد تجربی در این کشورها نشان می‌دهد، آن دسته از جوانان که در زمینه‌ی تفریحات خارج از خانه فعال هستند، بیشتر احتمال دارد که عملاً در همه‌ی زمینه‌های دیگر نیز فعال باشند. تداوم فعالیت‌های فراغتی به جوانان امکان می‌دهد،

منزلت و پایگاه بزرگ‌سالی را، با وجود نداشتن اشتغال، تجربه کنند. این موضوع به ویژه با طولانی شدن دوره‌ی جوانی و گذار جوانان به بزرگ‌سالی در جهان معاصر اهمیت می‌یابد. ویژگی دیگر مؤثر بر فرهنگ فراغت و سرگرمی، فردی شدن به مثابه روندی جدید در جامعه‌ی جهانی است. حرکت به سوی بزرگ‌سالی برای نسل‌های گذشته کمابیش مشابه بود، حال آن‌که این گذار برای جوانان حاضر در جهان غرب به صورت انفرادی و با تصمیم شخصی انجام می‌شود. البته این فردی شدن ضرورتاً به امحای تفاوت‌های مرتبط با زمینه‌های اجتماعی مثل جنسیت، طبقه، مکان زندگی و متغیرهای مشابه نینجامیده، بلکه تنوع بیشتری را در هر کدام از این مقوله‌های اجتماعی ایجاد کرده است. تغییر نقش‌های جنسیتی و ارزش‌های مرتبط با این نقش‌ها، گواهی بر این مدعاست. برای مثال، سیگار کشیدن، الکل و پرداختن به ورزش،



تداوم فعالیت‌های فراغتی به جوانان بزرگ‌سالی را، با وجود نداشتن اشتغال طولانی شدن دوره‌ی جوانی و گذار جوانی اهمیت می‌یابد

اوقات فراغت در ایران

افزایش جمعیت، شهرنشینی و دیگر تحولات ساختاری در عرصه‌ی اقتصادی و اجتماعی (مثل اهمیت یافتن آموزش، گسترش مشاغل خدماتی، بالا رفتن تحرک جغرافیایی و اجتماعی، اهمیت و توسعه‌ی صنعت حمل و نقل و موارد دیگر)، الگوی گذران اوقات فراغت در جامعه‌ی ایران را نیز دست‌خوش تغییر کرده‌اند. ازهم‌پاشیدگی محلات و نوسازی شهری در کنار دیگر تغییرات جمعیتی، از اهمیت «محلّه» و «اجتماع محلی» به عنوان کانونی برای تجمع و سرگرمی دختران و به‌ویژه پسران جوان، کاسته است. به همان‌سان، در سطح فرهنگی نیز فردی شدن و علاقه‌ی فزاینده‌ی جوانان به انتخاب شخصی سبک زندگی و برنامه‌ی فراغتی خود، تشابه و هم‌شکلی در الگوهای گذران اوقات فراغت را کمتر کرده است. از میان متغیرهای سنتی اثرگذار بر فراغت، به‌نظر

دیگر تنها وجه مشخصه‌ی فرهنگ سرگرمی مردان نیست. هم‌چنین دیگر نمی‌توان سلیقه‌هایی را در لباس پوشیدن یا گوش کردن به موسیقی یافت که مشخصه‌ی جوانان طبقه‌ی متوسط و طبقه‌ی کارگر باشد؛ اگرچه این تفاوت‌ها هم‌چنان وجود دارند. علاقه‌های فراغتی جوانان تنوع بسیاری یافته است و دیگر هم‌چون گذشته، مکان و فعالیت مشخصی، گروه‌های هم‌سال با اشتراکات مکانی، سنی، طبقه‌ای و جنسی را گرد یکدیگر نمی‌آورد. واقعیت این است که هریک از جوانان غربی، شبکه‌ی فردی خاص دوستان و فعالیت‌های سرگرم‌کننده‌ی خاص خود را دارد و دیگر آن‌ها را نمی‌توان به گروه‌هایی با خرده‌فرهنگ‌های خاص تفکیک کرد. برای جوانان غربی عصر حاضر، عضو یک گروه شدن به آسانی میسر نیست، بلکه جوانان ناگزیرند با فعالیت‌هایی مثل ورزش آن را جست‌وجو کنند و بسازند. در چنین میدانی است که جوانان احساس تعلق را عمیقاً تجربه می‌کنند.



جوانان امکان می‌دهد، منزلت و پایگاه
فعال، تجربه کنند. این موضوع به ویژه با
جوانان به بزرگسالی در جهان معاصر

می‌رسد طبقه و جنسیت هم چنان اهمیت خود
را حفظ کرده‌اند.

بر پایه‌ی مطالعه‌ی ملی انجام شده در
«سازمان ملی جوانان» روی حدود ۲۵ هزار
نوجوان و جوان ساکن مناطق شهری (نگاه کنید
به: دبیرخانه‌ی شورای عالی جوانان،
۱۳۷۶)، رایج‌ترین فعالیت فراغتی نوجوانان
و جوانان تماشای تلویزیون، بازی و ورزش،
مطالعه، دیدار از خویشان و دوستان،
استراحت، گفت‌وگو با اعضای خانواده و
انجام کارهای هنری بوده است. این تحقیق
نشان می‌دهد که مصرف منفعلانه‌ی فراغت
(به‌تنهایی انجام دادن، محدود بودن به منزل،
و بدون تقویت مهارت‌های مشارکتی)، بیش
از مصرف فعالانه‌ی آن است. فعالیت‌های
فراغتی جوانان، تمرینی برای مشارکت
اجتماعی و رهبری در اختیار آنان قرار نمی‌دهند
و کاربرد اوقات فراغت، عموماً «سرگرم‌سازی»
است. این وضعیت برای دختران جوان به
صورت حادثی مطرح است، به گونه‌ای که
پس از تماشای تلویزیون، سایر فعالیت‌های
مهم فراغتی آنان همگی در چارچوب محیط
منزل و محدود به استراحت و گفت‌وگو با
اعضای خانواده و نیز انجام کارهای هنری بوده
است. پیش‌دآوری‌ها، ملاحظیات فرهنگی -
اجتماعی و نبودن تحصیلات عمومی مناسب
و کافی برای دختران جوان، توضیح‌دهنده‌ی
این عدم تعادل است.

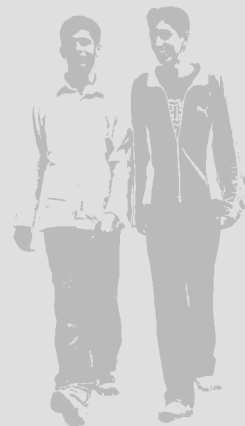
مطالعه‌ی اخیر در مورد گذار جوانان به
بزرگسالی (نگاه کنید به: ذکائی، ۱۳۸۰)
نشان داد که این الگوهای مصرف فراغت
تغییراتی را تجربه کرده است. در این مطالعه
که روی نمونه‌ی معرفی از جوانان شهر تهران
انجام شد، یاد گرفتن مهارت‌های هنری و
حرفه‌ای، مسافرت و گردش با خانواده و
دوستان، ورزش و بازی‌های گروهی، ورود
به دانشگاه و دانشجو شدن، و دیدار از دوستان
و سرگرم شدن با آن‌ها، به ترتیب موضوعات
مورد علاقه‌ی جوانان برای سرگرمی و «لذت
بردن» از دوره‌ی جوانی خویش عنوان شده‌اند.

البته مقایسه‌ی دو جنس هم چنان غلبه‌ی محیط
خانه را برای سرگرمی دختران نشان می‌دهد.
تحول مهم در این زمینه مربوط به علاقه به ورود
به دانشگاه است که در میان دختران بیش از
پسران است. اهمیت ورزش برای پسران بیش
از دختران است. به همین سان، نتایج این
تحقیق بیانگر نارضایتی بیشتر دختران از
فعالیت‌های فراغتی و اعتقاد به لذت بخشی
بیشتر دوره‌ی جوانی برای پسران است تا دختران
(۳۳٪ در برابر ۲٪). طبیعی است که
آزادی عمل بیشتر پسران در جامعه،
فرصت‌های بیشتر آنان برای ارتکاب و یا انجام
فعالیت‌های خُرده‌فرهنگی، و نیز مصونیت
بیشتر آن‌ها در برابر فشارهای هنجاری،
توضیح‌دهنده‌ی این تفاوت است. سهم
دختران در مصرف اوقات فراغت و فعالیت‌های
خُرده‌فرهنگی نارضایتی بیشتر آن‌ها را به همراه
دارد و از این رو، چالشی که در هرگونه
برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت باید بدان توجه
کرد، تعارض استقلال عمل و علاقه‌ی بیشتر
جوانان برای دنبال کردن سبک‌های زندگی و
کمبودها و محدودیت‌های ساختاری،
اجتماعی و فرهنگی است. فشار این
عدم تعادل بیشتر متوجه دختران جوان است.

عوامل بازدارنده و راهکارهای رسیدن به وضع مطلوب

ابعاد اصلی تفاوت و نابرابری در
دست‌یابی جوانان به اوقات فراغت مطلوب،
موانع اقتصادی، جنسیت و محل زندگی
است. علاوه بر عوامل فوق، متغیرهایی
هم چون عدم دریافت مراقبت کافی در دوره‌ی
رشد، داشتن معلولیت، ضعف مزمن
جسمانی، سابقه‌ی بزهکاری و مجرمیت،
پیش‌دآوری‌ها و خُرده‌فرهنگ‌های ناموافق با
فعالیت‌های سالم سرگرمی و فراغت، موانع
زمانی و موانع ارتباطی را می‌توان ذکر کرد.
علاوه بر این، بی‌کاری جوانان
(به‌خصوص جوانان ۲۴-۱۹ سال)،
محرومیت مادی و روانی را برای آن‌ها به دنبال





آشنا ساختن جوانان با پاداش های فردی و اجتماعی که دنبال کردن اوقات فراغت به همراه می آورد، در پیشگیری از پرداختن احتمالی آن ها به کج روی های اجتماعی، مداخله ی مؤثر و بازپروری آن ها مفید است

دارد. مشارکت این گروه از جوانان در فعالیت های فراغتی، با احساس گناه برای آن ها همراه است، چون این فراغت پاداش اشتغال آن ها نیست. از طرف دیگر، سطوح پایین انگیزشی در میان این گروه از جوانان، از علاقه ی آن ها به فعالیت های فراغتی می کاهد و بر کمیت و کیفیت مشارکت آن ها در فعالیت های فراغتی مؤثر است. نتیجه ی این بی انگیزشی، عزلت نشینی در خانه، پرداختن به فعالیت های خانگی، کاسته شدن از تفریحات بیرون از منزل، و افزایش فراغت منفعلانه (اتلاف وقت بیهوده) است. جوانان واقع در سنین ۱۴ تا ۲۴ سال، در مقایسه با گروه های سنی دیگر، بیشترین وقت آزاد را دارند. این گروه بالاترین نسبت را در اشتغالات فراغتی، هم چون تماشای ویدیو، گوش دادن به موزیک، دیدار از دوستان و خویشان، استراحت و اتلاف وقت، تلفن زدن به دوستان، ورزش کردن، پرداختن به کارهای هنری و صنایع دستی در منزل و انواع بازی ها در منزل دارند.

آشنا ساختن جوانان با پاداش های فردی و اجتماعی که دنبال کردن اوقات فراغت به همراه می آورد، در پیشگیری از پرداختن احتمالی آن ها به کج روی های اجتماعی، مداخله ی مؤثر و بازپروری آن ها مفید است. غنی ساختن زندگی فردی، برآوردن

خواسته های فردی، خودابرازی، یافتن تصویر مطلوب از خویش، بازسازی شخصیتی، و حتی امتیازات مالی، از جمله پاداش های فردی هستند که اوقات فراغت به دنبال می آورد. از میان پاداش های اجتماعی اوقات فراغت نیز می توان به افزایش مشارکت اجتماعی، کمک به ایقا و تقویت گروه های عضو و نیز تلاش گروهی در انجام یک فعالیت سرگرم کننده ی گروهی اشاره کرد.

آموزش های مربوط به اوقات فراغت باید بتوانند، عوامل بازدارنده و مانع بر سر راه گذران اوقات فراغت جوانان را بشناسند و نسبت به رفع آن ها اقدام کنند. برخی از این عوامل بازدارنده عبارت اند از: فقر، مسکن نامناسب، سوء تغذیه، اختلالات و مشکلات زندگی خانوادگی، کار اجباری کودکان، تهدیدات محیطی (زیست محیطی و اجتماعی)، سوء استفاده های جنسی، خشونت، بیماری، تبعیض و پیش داوری های قانونی نسبت به کودکان، اختلال در جریان رشد، رواج استفاده از مواد مخدر.

توصیه های سیاستی و اقدامات پیشنهادی

۱. طبق منشور سازمان ملل، کودکان حق زندگی و رشد (شامل آموزش، تفریح و فراغت) دارند. باید این تضمین ایجاد شود که جوانان به تناسب مدارج تحصیلی، قابلیت ها و توانایی های خود، به کار مناسب دست رسی داشته باشند.

۲. اوقات فراغت، قلمرو مشروع و ارزشمندی است که جوانان هویت خویش را در آن می یابند. دولت در همه ی سطوح باید این تضمین را ایجاد کند که تسهیلات و برنامه های مناسب در اختیار جوانان قرار گیرد؛ به نحوی که مشارکت مستمر و نیز نگرش سازنده ی آن ها را نسبت به تفریحات سالم جلب کند.

۳. فعالیت های جدی فراغتی را می باید

از طریق برنامه هایی مثل ورزش، انواع سرگرمی ها و فعالیت های هنری در جوانان تقویت کرد تا از این طریق، تعامل آن ها با بزرگ سالان برقرار شود، انسجام و یگانگی بیشتری در اعضای محلات و اجتماعات شکل گیرد، و نیز استقلال عمل، عزت نفس و توانایی جوانان تقویت شود.

۴. جوانان را باید تشویق کرد، به صورت آماتور و برای سرگرمی وارد فعالیت های فراغتی شوند و یا در فعالیت های داوطلبانه شرکت کنند. این فعالیت ها را نه تنها برای رضایت فردی و تقویت اجتماع خود، بلکه با انگیزه ی یافتن مسیر شغلی و حرفه ای در پرداختن به این گونه فعالیت ها انجام دهند.

۱-۴. مربیان و دست اندرکاران فعالیت های فراغتی جوانان باید به تک تک جوانان کمک کنند، زمینه های مورد علاقه و در دست رس برای پرداختن به فعالیت های فراغتی (ترجیحاً بیش از یک زمینه) را کشف کنند. بهتر است فعالیت هایی توصیه و انتخاب شوند که بالقوه برای جوانان جاذبه داشته و ارضاءکننده باشند و مدت های طولانی بتوانند بدان ها بپردازند.

۲-۴. دست رسی منصفانه به برنامه های فراغتی، سهم اساسی در بهبود کیفیت زندگی جوانان دارد. دست رسی به اوقات فراغت باید فارغ از محدودیت های طبقاتی و جنسیتی باشد. هم چنین، تسهیلات و خدمات لازم می باید در اختیار آن دسته که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی از محرومیت برخوردارند، قرار گیرد.

۳-۴. روند خصوصی شدن ارائه ی کالاهای و خدمات اوقات فراغت به جوانان در بخش های عمومی (سالن های سینما و تئاتر، باشگاه های ورزشی، ویدیوکلپ ها، نوارخانه ها، کتابخانه ها و غیره)، می باید در توان بودجه ای جوانان باشد و بر کیفیت گذران اوقات فراغت آن ها نظارت شود تا علاقه ی جوانان به خود را حفظ کند.

۴-۴. باید همه ی تلاش های ممکن را

به کار بست تا جوانان بی‌کار را از برنامه‌های فراغتی که در مکان‌های دولتی و با هزینه‌ی کم یا مجانی ارائه می‌شوند، باخبر ساخت. دست‌اندرکاران این‌گونه خدمات می‌باید متوجه محرومیت مالی جوانان بی‌کار باشند و تا حد امکان، برنامه‌های خود را به این گروه‌ها با نرخ کمتر و در ساعات کم مشتری عرضه کنند. جلساتی را می‌توان برای تقویت انگیزش این‌گونه جوانان و زدودن انفعال حاصل از بی‌کاری برگزار کرد.

۴-۵. وجود سازمان‌دهی برای رهبری جوانان و دادن بینش فردی و ارزش‌های روشن اخلاقی به آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. سازمان ملی جوانان، به عنوان متولی خاص مسائل جوانان می‌تواند، با تقویت و ایجاد مراکز جوانان و خدمات مشاوره‌ای برای آن دسته که در جست‌وجوی کار و یا سرگرمی هستند، نقش فعالی ایفا کند.

۴-۶. با توجه به گسترش روزافزون اهمیت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (I.C.T) و ورود آن‌ها به عرصه‌ی سرگرمی و فراغت، هم به حوزه‌ی خصوصی و هم به حوزه‌ی عمومی، و نیز ناآشنایی گسترده‌ی جوانان ایرانی برای کار با این فناوری‌ها، می‌باید آموزش و مهارت‌های لازم را درخصوص کار با این وسایل و نیز نقشی که این امکانات (به ویژه اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای) در ایجاد سرگرمی و دسترسی به فراغت دارند، به آن‌ها داد.

۵. در تنظیم و تدوین فلسفه، سیاست‌ها و شیوه‌های آموزش اوقات فراغت، نکات زیر را می‌باید مدنظر قرار داد: ۱-۵. اتخاذ تدابیری برای به حداقل رساندن اثرات فقر.

۲-۵. توجه کردن به رفاه غذایی و تغذیه‌ی کودکان.

۳-۵. اهمیت دادن به برنامه‌هایی که به تقویت رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی نوجوانان و جوانان منجر می‌شوند.

۴-۵. اتخاذ تدابیری برای محافظت از کودکان در برابر آلودگی محیط زیست به ویژه در شهرهای بزرگ.

۵-۵. انجام اقداماتی که به رعایت بهداشت و رفتارهای صحیح سلامتی در کودکان و نوجوانان بینجامد.

۶-۵. یافتن تمهیداتی برای ارزیابی، شناسایی و اعطای کمک‌های ویژه (و در صورت لزوم مداخله) به کودکانی که بیش از همه در معرض انواع مخاطرات هستند.

۷-۵. فراهم کردن برنامه‌های پس از مدرسه و یا برنامه‌هایی در کانون‌ها و مراکز مربوط به جوانان، تا نوجوانان و جوانان این‌گونه مراکز را نقطه‌ی اتکالی برای خود بیابند و در صورت مواجهه با خشونت (چه در خانواده چه در اجتماع) و یا به جای پرسه زدن در خیابان و ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی، به آن‌ها پناه برند.

۶. با توجه به اهمیت آموزش چگونگی گذران اوقات فراغت، این‌گونه آموزش‌ها باید در برنامه‌ی رسمی و غیررسمی آموزشی در دوره‌های دبستان، راهنمایی و دبیرستان گنجانده شوند. در این خصوص توصیه می‌شود:

۱-۶. آموزش اوقات فراغت باید به جوانان در معرض آسیب‌های اجتماعی، مهارت‌های لازم را برای دنبال کردن شیوه‌ی بهینه‌ای از گذران فراغت بیاموزد و نگرش مثبت آن‌ها را نسبت به زندگی، فراغت و کار تقویت کند.

۲-۶. لازم است، جوانان آسیب‌پذیر را برای اتخاذ تصمیمات بهتر در ارتقای رشد فردی و اجتماعی خویش به تبادل نظر متقابل و داوطلبانه تشویق کرد.

۳-۶. فعالیت‌های گسترده و فراگیری را می‌باید به کار گرفت تا امکان اتحاد و یگانگی جوانان آسیب‌پذیر و غیرآسیب‌پذیر فراهم آید و بدین طریق، موانع، افکار قالبی و پیش‌داوری‌هایی که نسبت به این گروه وجود دارد، برطرف شود.

۴-۶. در موضوع اوقات فراغت، باید همکاری و هم‌سویی بیشتری بین نهادهایی که به نحوی با جوانان سروکار دارند (مثل مدرسه، خانواده و دیگر سازمان‌های رسمی) به عمل آید. به آن‌ها باید آموزش داد و از آن‌ها حمایت کرد.

۵-۶. درخصوص نقش و اثرات پیش‌گیرانه‌ی برنامه‌های فراغتی در زندگی جوانان آسیب‌پذیر، می‌باید با ملاحظه‌ی شرایط فرهنگی و محلی مطالعه و تحقیق صورت گیرد.

۶-۶. لازم است، امکانات مناسب (مالی و غیرمالی) برای حمایت کردن و نشان دادن اهمیت تسهیلات فراغتی برای جوانان آسیب‌پذیر، فراهم شود.

۷-۶. در برنامه‌های کلی آموزشی که از طریق مدارس، مراکز مشاوره‌ای و مراکز مشابه در اختیار جوانان قرار می‌گیرد، می‌باید مشاوره‌های فراغتی را نیز گنجانند.

۷. برنامه‌های تفریحی برای جوانان تا حد امکان با هدایت و رهبری خود جوانان اجرا شوند.

۸. علل و عوامل مؤثر بر وارد شدن جوانان به رفتارهای خطرناک غیرقابل قبول، بررسی شوند.

۹. راهبردها و مهارت‌های لازم برای اجتناب از رفتارهای خطرناک غیرقابل قبول، در اختیار جوانان قرار گیرد.

منابع:

Furlong, A. and Cartmel, F. (1997) Young People and social change/ Buckingham: Open university press.

Roberts, K. (1997) work and leisure in Young peoples' life, in J. T. Haworth (ed) Work, leisure and well-being, london: Routledge.

Hendry, L. e. t. al (1996) Young peoples leisure and lifestyle, london: Palgrave.

ذکائی، محمدسعید، (۱۳۸۰) گذار به بزرگسالی و جوانی رو به تغییر، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره‌ی ۳. صص ۲۷-۳۰.
دبیرخانه شورای عالی جوانان (۱۳۷۶) شیوه‌گذاران اوقات فراغت جوانان. دفتر طرح و برنامه.